



## روش تحلیل گفتمان انتقادی برای درک گفتمان های شهری

دکتر صفر قائد رحمتی<sup>۱</sup>

### چکیده

در بسیاری از منابع علمی، چنین استدلال می شود که تحلیل گفتمان انتقادی، یک مفهوم پیچیده با طیف وسیعی از معانی است که ریشه در زبان شناسی و نظریه اجتماعی دارد. تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی کاربردی در تحلیل و نقد گفتمان های شهری در زمینه های بازآفرینی شهری، سیاست مسکن، رابطه بین برنامه ریزی شهری و سیاست شهری و فرایند تغییرات اجتماعی در آن در نظر گرفته می شود. هدف مقاله این است که کارکردهای تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات شهری و رویکردهای صرفاً نظری که از ساختار اجتماعی شهری غالب شروع می شود؛ و تحلیل اینکه کجا و چگونه تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات شهری کاربرد دارد. تحلیل گفتمان انتقادی؛ به عنوان یک روش کیفی در مطالعات شهری، در یافتن نوعی تحلیل عناصر شهری مانند تجزیه و تحلیل « متن » استفاده می شود. این مقاله آنچه تحلیل گفتمان انتقادی، به محققان شهری که در گفتمان شهری جستجو می کنند؛ در سه زمینه ساخت اجتماعی، تحلیل نشانه شناسی شهری و گفتمان نابرابری شهری، ارائه می دهد.

**واژگان کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، ساخت اجتماعی شهر، نشانه شناسی شهری، نابرابری های شهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، safarrahmati@modares.ac.ir



## مقدمه

روش‌های کیفی سابقه طولانی در جغرافیا دارند و در ابتدا این روش‌ها بدون مشکل مورد توجه قرار گرفت. روش‌های کیفی بسیار متنوع هستند و پیچیدگی آنها نیز مشکلاتی را برای آموزش برنامه ریزی شهری ایجاد می‌کند (Ley, 1992). در سالهای اخیر، علاقه به روشهای تحقیق کیفی در علوم اجتماعی بسیار افزایش یافته است. جغرافیای شهری نیز از این علاقه مستثنی نیست و ما در مورد مزایا و معایب تحقیقات جغرافیایی با لبه ای "نرم" بحث‌های زیادی را شاهد بوده ایم (Lowe, 1990). به عنوان مثال در پروژه ای، لو (1992) نشان داد که آموزش روش‌های کیفی در جغرافیا مشکلات زیادی دارد. روشهای کیفی اغلب به حاشیه رانده شده و محدود به انتظارات سنتی محققان است، که به آنها آموزش داده شده است تا پاسخ دو قطبی را از دانش آموزان ایجاد کنند. عوامل متعددی در این پاسخ دخیل هستند: کمبود منابع کتابخانه، تصور اینکه روشهای کیفی غیرمعمول هستند و ارزشهای سنتی و دشواری چالش‌های تدریس این روش‌ها (Lowe, 1992). تحقیقات کیفی قبلاً در جغرافیای انسانی چندان رایج نبوده است و برخی از جغرافی دانان، مانند دلیسر (2008)، سعی می‌کنند دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیئت علمی بیشتری را برای آموزش جغرافیای کیفی ترغیب کنند (Delyser, 2008). تحلیل گفتمان انتقادی یکی از مهمترین روشهای کیفی است.

گفتمان در سه گونه تعریف می‌شود (1) گفتمان از واحد جمله فراتر می‌رود، (2) گفتمان یک زبان کاربردی خاص است و (3) گفتمان طیف وسیع تری از شیوه‌های اجتماعی، شامل جنبه‌های زبانی و غیر زبانی را شامل می‌شود. در کتابهای فوکو با عنوان دیرینه‌شناسی دانش و نظم گفتمان، «گفتمان نه تنها شیوه زبانی نیست که در یک گفتگوی خاص به کار می‌رود، بلکه یک سیستم فکری وسیع‌تر در چارچوب تاریخی خاصی است که هر چیزی را قابل تصور یا روایت می‌کند».

در متون علمی و ادبی، تجزیه و تحلیل گفتمان، اغلب بدون آنکه به خوبی تعریف شده باشد، کاربرد دارد. این مفهوم مبهم شده است، که گاهی اوقات تقریباً بی‌معنی است، یا با معانی دقیق‌تر، اما متفاوت در زمینه‌های مختلف استفاده می‌شود. در بسیاری از موارد، زیر اصطلاح گفتمان یک مفهوم کلی وجود دارد که نشان می‌دهد ساختار زبان بر اساس نمونه‌های مختلفی است که گفته‌های افراد هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی از آنها پیروی می‌کند (Jørgensen & Phillips, 2002). با استفاده از تحلیل گفتمان، سعی می‌شود عناصر گفتمان و همبستگی در آن برای شناخت شیوه‌ی زندگی یک جامعه مشخص، شناسایی شود. گفتمان اغلب نمایانگر ساختار قدرت و دانش است. تحلیل گفتمان با هر دیدگاهی که ساختار اجتماعی زبان محیطی را به رسمیت می‌شناسد مرتبط است (Xu, 2016)، و اساساً در اصطلاحات کاربردی آن، در مورد هر دیدگاهی که ساختار اجتماعی زبان شهری را به رسمیت می‌شناسد، تعریف شده است.

"softer" edge

L'Archéologie du savoir /The archeology of knowledge

فوکو در کتاب تاریخ جنون (1961)، با روش تحلیل گفتمان مفهوم جنون و سیر پیدایش بی‌خردی به موازات حاکمیت خرد بر انسان و شکلی از تاریخ که در آن خرد حاکم بر انسان می‌شود و انسان با واسطه زبان بیرحمانه نادیدنی، وجود خود و دیگری را به رسمیت می‌شناسد، را بررسی کرده است.

the Order of Discourse



## مبانی نظری

در همه مطالعات آشکار است که فوکو در توسعه تحلیل گفتمان نقش اساسی داشته. مطالعات فوکو هم نظری و هم تجربی است و برای دهه ها، گفتمان به عنوان یک مفهوم رایج در نظر گرفته شده و در نظر گرفته می شود. به تعبیر فوکو، گفتمان رژیم های حقیقت<sup>۱</sup> را بیان می کند و صرفاً بازتابی از واقعیت<sup>۲</sup> نیست (Foucault, 1980). نظریه گفتمان فوکو و ارتباط بین شجره نامه و گفتمان های قدرت و همبستگی آن با دانش، در نظریه او به عنوان مبنایی برای نظریه استخراج گفتمان شناخته شده است. این به این دلیل است که گفتمان فوکو فراتر از ارزیابی متن یا نحوه ارتباط جملات متنی با بازتولید گفتمان قدرت در ساختارهای متنی است. فوکو تلاش کرد تا بفهمد که چگونه قدرت و همبستگی آن در متن تولید و بازتولید می شود و دانش ویژه خود را توسعه می دهد، بنابراین تداوم زندگی سیاسی خود را ارزیابی می کند. پس از فوکو، تحلیل گفتمان انتقادی به طور قابل ملاحظه ای گسترش یافت. باستان شناسی و تبارشناسی<sup>۳</sup> دو نوع روش برای نظریه فوکو هستند. این رویکرد، مبتنی بر نظریه های فوکو در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی، توسط مارتن هاجر (۱۹۹۵) توسعه داده شد، جایی که تلاش های منظم برای درک چگونگی کنترل و محدودیت پتانسیل نامحدود ایده ها، افکار و بیان در زبان و عمل نگران کننده است (Hajer, 1995).

به گفته وان دایک<sup>۴</sup> (۲۰۰۱)، تحلیل گفتمان انتقادی، نوعی تحقیق تحلیلی گفتمانی است که در آن روش های ایدئولوژی، هویت و نابرابری در متون سیاسی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار می گیرند. تحلیل گفتمان انتقادی، یک رویکرد میان رشته ای در مطالعه گفتمان است که از طریق آن زبان به عنوان نوعی کنش اجتماعی<sup>۵</sup> ارزیابی می شود و بر چگونگی تولید و بازتولید آن از طریق متن و گفتگو<sup>۶</sup> تأکید می کند.

مطالعات زیادی در زمینه های مختلف تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است: (Mumby and Clair 1۹۹۷), (Chouliaraki 1998), (e Chouliaraki 1999; van Dijk 1991; Wodak et al. 1999), (Richardson 1998), (Fairclough 1993), (Fairclough 1995a, 1995b, 1998, 2000), (Marston, 2002), (Sharp & Richardson, 2001), (Probyn, 2014) and (Zanotto, 2020). شناخته شده در مورد رابطه بین اصول سیاسی و تغییرات اجتماعی است (Sharp & Richardson, 2001). امروزه علاقه مندی به نقش گفتمان در فرایندهای اجتماعی، تغییرات اجتماعی و مطالعات اجتماعی افزایش یافته است. تحلیل گفتمان در دو حوزه تولید دانش و روابط و هویت های قدرت انجام می شود. در تحلیل گفتمان انتقادی، واقعیت های اجتماعی به صورت عینی بیان نمی شوند، بلکه بازنمایی های نمادین زبانی هستند. در تحلیل گفتمان اجتماعی، واقعیت های اجتماعی ناپایدار هستند، زیرا بستگی به زمینه ای دارد که معانی در آن مشتق شده است.

<sup>۱</sup>The Rregimes of Truth

<sup>۲</sup>Reality

<sup>۳</sup>Archeology and Ggenealogy

<sup>۴</sup>Van Dijk

<sup>۵</sup>social practice

<sup>۶</sup>text and dialogue



در علوم اجتماعی و علوم انسانی به طور کلی و در نتیجه مطالعات شهری به طور خاص، مفهوم گفتمان با رویکردهای معرفت‌شناختی مربوط به پسا‌ساختارگرایی و تغییرات در رابطه بین فرهنگ و زبان همراه است. محققان شهری همیشه از ریشه‌های فلسفی، نظری، معرفتی و روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی آگاه نیستند (Lees, 2004).

رابطه و ارزش ارزیابی مطالعات شهری از منظر گفتمان را می‌توان نشان داد. مطالعات گفتمانی به درک فرایندها و تغییرات شهری و سهم آنها در تغییرات شهری کمک می‌کنند (Hastings, 1999). اگرچه معنای تحلیل گفتمان انتقادی پیچیده است، اما این مفهومی است که اغلب توسط دانشمندان علوم اجتماعی معمولاً به طور اتفاقی به کار برده می‌شود و معمولاً معانی متعدد آن و مفاهیم آن را نمی‌دانند، یا به طور معمول نحوه استفاده از این اصطلاح را تشخیص نمی‌دهند. به نحوی به اشتباه، در اکثر مطالعات شهری، تحلیل گفتمان به عنوان قدرت تعریف می‌شود، در صورتی که این همه مفهوم گفتمان نیست. بر اساس مطالعات شهری، بین گفتمان و قدرت رابطه وجود دارد؛ جایی که قدرت در گفتمان و عامل اصلی در ایجاد قدرت در گفتمان متجلی می‌شود. برنامه ریزی، نظم، مولفه‌هایی هستند که از طریق آن‌ها روابط قدرت در کنش‌های اجتماعی ایجاد می‌شود (Van Dijk, 1993). نورمن فرکلاف (1990a, 1990b)، از تحلیل گفتمان انتقادی، برای توصیف رویکردی که خودش گسترش داد و هم به عنوان برجستگی برای حرکت گسترده‌تر انتقادی در تحلیل گفتمان استفاده کرد و بعد‌ها رویکردهای بسیاری از آن استفاده کردند (Fairclough and Wodak 1997). مفهوم تحلیل گفتمان انتقادی، برای اشاره به رویکرد زبانی انتقادی محققانی به کار می‌رود که نشان می‌دهند متن به عنوان واحد گفتمان، هسته اصلی ارتباطات است (Wodak & Meyer, 2015 Wodak & Meyer, 2015).

نظریه گفتمانی فوکو و ایجاد ارتباط میان تبارشناسی و گفتمان‌های قدرت و ارتباط آن با دانش در نظریه وی، به عنوان مبنایی برای نظریه گفتمان کاوی شناخته شد. گفتمان فوکویی، فراتر از بررسی متن یا چگونگی ارتباط جملات متنی در بازتولید گفتمان قدرت در ساختارهای متنی است. فوکو تلاش داشت تا دریابد که قدرت و روابط آن، چگونه در متن تولید و بازتولید شده و دانش ویژه خود را می‌آفریند و بدین ترتیب تداوم حیات سیاسی خود را تضمین می‌کند. پس از فوکو تحلیل گفتمان انتقادی به شدت گسترش یافت. باستان‌شناسی و تبارشناسی دو نوع روش‌شناسی برای فوکو است.

مطالعات شهری، که در آن روش‌های مفهومی و روش‌شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به دنبال دستیابی به رویکرد جهانی‌تری در شناخت شهرها است (Robinson, 2016). بر اساس نظرات اوورمن و میگ (2015)، هسته اصلی تحلیل گفتمان انتقادی در شهرها، توسعه اقتصادی و ایجاد شهری قابل زندگی است (Oevermann & Mieg, 2015). دیوید هاروی (1996) ادعا می‌کند که گفتمان به تغییرات شهری کمک زیادی می‌کند. او اولین کسی است که اهمیت نقد و بررسی گفتمان‌ها و تصاویر شهری را با انتقاد از ماتریالیسم تاریخی، نقد کرد. نیل اسمیت به عنوان ادامه‌دهنده راه هاروی نیز بیشتر به فرهنگ، زبان و گفتمان روی آورده است (Smith, 1990). در مطالعات شهری، نحوه اعمال گفتمان انتقادی و ایجاد تغییرات در فرایندهای سیاست‌گذاری و رفتار اجتماعی شهر، قابل بحث است. هدف این مقاله این است که مشخص کند تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات شهری در کجا و چگونه کاربرد دارد.



## روش تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی دارای پایه‌هایی است که همه گفتمان‌های انتقادی، از جمله رویکرد فرکلاف، بر اساس آنها استوار است: ۱. نفی موضوع به عنوان یک عامل مستقل و همرا با نقش سازنده آن در گفتمان‌ها، ۲. انکار علیت تاریخی، ۳. انکار حقیقت به عنوان یک امر ذاتی و پذیرش آن به عنوان یک گفتمان و ۴. پذیرش زبان به عنوان یک سیستم فوق بشری، ماوراء طبیعی و مستقل که به اشیاء، ساختارها، افراد و نهادها نظم می‌دهد. به به این چهار دلیل، این مقاله روش تحلیل گفتمان انتقادی را برای مطالعات شهری بسط داده و توضیح می‌دهد. در این مقاله، تحلیل گفتمان انتقادی در زمینه مطالعات شهری، برای اجرای تحلیل گفتمان انتقادی بر روی عناصر شهری، همانند تحلیل متن استفاده می‌شود. دیدگاه این مقاله در مورد گفتمان کاربردی است، چگونه از تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات شهری در سه حوزه ترتیب نظم گفتمان در مؤلفه‌های شهری، تحلیل نشانه‌شناسی شهری و نابرابری‌های شهری استفاده می‌شود.

## یافته‌ها

### نظم گفتمان در مؤلفه‌های شهری

در تحلیل گفتمان، به صورت تجربی به عنوان استفاده از زبان موضعی، مطالعات شهری بر ساختارهای زبانی (به پیروی از رویکرد چامسکی) تمرکز می‌کند؛ در حالی که نظریه‌های گفتمان ساختارگرایانه و پساساختارگرا (شامل نظریه‌های گفتمانی فوکو و لاکلاو و موف) بر موارد خاصی از تعامل اجتماعی تمرکز نمی‌کند. از نظر لاکلو و موف مفصل بندی<sup>۳</sup> هرگونه عملی است که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند، به نحوی که هویتشان در نتیجه‌ی عمل مفصل بندی دستخوش تغییر شود. آن کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل بندی گفتمان خوانده می‌شود. مواضع مبتنی بر تفاوت<sup>۴</sup> را تا زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل بندی شده باشند، بعد<sup>۵</sup> است. در مقابل هر تفاوتی را که به شکل گفتمانی مفصل بندی نشده باشد، عنصر خوانده می‌شود (Laclau and Mouffe, 1985). نظم گفتمان مفهومی از تحلیل گفتمان انتقادی است که فرکلاف در کتاب "زبان و قدرت"<sup>۶</sup>، به آن پرداخته است. او به مجموعه گفتمان‌هایی اشاره دارد که در یک حوزه فعال اند (Fairclough, 1989). با برداشت از فرکلاف در گفتمان برنامه ریزی شهری؛ فضاهای شهری، مشکلات شهرها و برنامه‌ها به شکل خاصی بازنمایی شده‌اند. کلیه پژوهش‌های برنامه ریزی شهری تلاشی هستند برای تقسیم بندی فضاهای شهری، شناخت مشکلات شهری و ارائه برنامه‌های شهری. گفتمان برنامه ریزی شهری شبکه‌ای از معنای به هم مرتبط حول قلمرو فضای شهری و مسأله شهری به وجود

<sup>۱</sup>order of discourse  
<sup>۲</sup>Laclau and Mouffe  
<sup>۳</sup>articulation  
<sup>۴</sup>differential positions  
<sup>۵</sup>moment  
<sup>۶</sup>element  
<sup>۷</sup>Language and Power



می آید. از طرفی هرگز نمی توان گفتمان را چنان کامل تثبیت کرد که به دلیل تکثر معنایی در میان گفتمان تضعیف نشود یا تغییر نکند. در گفتمان برنامه ریزی شهری، پیشرفت های علم سیستم ها، برداشت های حاکم بر شهر را به نحوی اصلاح کرد که بتواند خود را با تلقی شهر به منزله ی " سیستم؛ مجموعه ای از عناصر " سازگار کند. تحلیل گفتمان قصد دارد ساختارهایی را که بدیهی می انگاریم واسازی کند؛ تلاش می کند نشان دهد سازماندهی جهان محصول فرایندی سیاسی است که در ادامه پیامدهای اجتماعی به همراه دارد (Jørgensen & Phillips, 2002). با این توصیف؛ در یک گفتمان؛ " زاغه نشینان شهری " را هم ردیف با " جرم و جنایت شهری " قرار داده اند، تحلیل گفتمان می تواند نشان دهد که تشکیل این زوج چگونه به شکل گفتمانی استقرار یافته است و این امر چه پیامدهایی برای " زاغه نشینان " و " شهروندان " دارد. غالباً تحلیل گفتمان اسیر همان گفتمانی هستند که قصد دارند آن را تحلیل کنند. مثلاً در تحلیل زاغه نشینی اسیر گفتمان مهاجرت روستا به شهر شده اند. حتی اگر تحلیل گر گفتمان اسیر گفتمانی نباشد که قصد تحلیل آن را دارد، بالاخره، اسیر ساختار گفتمانی دیگر است؛ در اینجا نقش اقتصاد - سیاسی بر شکل گیری زاغه نشینی مهم است. به عقیده فرکلاف نمی توان محتوا - برای مثال فرهنگ خاص حاشیه نشینان شهری - را بدون شکل و فرم زبانی آن فرهنگ ( کلمات، ساختار گرامری و استعاره ها و ... ) تحلیل کرد. به این دلیل که محتوا همواره به شکلی خاص سازماندهی می شود و این شکل ها نیز جزئی از محتوایند (Feirclough, 1992).

### نشانه شناسی شهری در تحلیل گفتمان

فردیناند دو سوسور (۱۹۶۰) به عنوان یک زبان شناس معتقد است که ساختار نشانه ها یک موضوع زبان شناسی است. او زبان را به دو بخش تقسیم می کند: آزادی مشروط و زبان. سیستم زبان، ساختار زبان است؛ یعنی شبکه ای از نشانه ها<sup>۲</sup> که به یکدیگر معنا می دهند و ثابت و غیرقابل تغییر هستند. در مقابل، گفتار استفاده از زبان در یک موقعیت خاص است؛ یعنی علائمی که مردم در یک موقعیت خاص به کار می برند. موضوع سوسور این است که هدف از نشانه ها با رابطه آنها با سایر نشانه ها مشخص می شوند: یک نشانه به لحاظ ارزش ویژه خود، تفاوت خاص با سایر نشانه ها دارد. اهمیت مطالعه سوسور در این واقعیت نهفته است که وی این ساختار را یک نهاد اجتماعی در معرض دیکتاتوری می داند که می تواند در طول زمان تغییر کند، یعنی ارتباط زبان و واقعیت قابل پذیرش است، نکته ای که در نظریه های بعدی ساختارگرایی و پساساختارگرایی<sup>۳</sup> مطرح شد.

از نظر لاکلاو و موف (۱۹۸۵)، ساختار نشانه ها بر اساس رابطه خود با همدیگر شکل گرفته اند. بنابراین، ساختاری بی پایان هستند. گفتمان ها همیشه معانی محکم و موقت در قلمرویی که اساساً تصمیم گیری نمی کنند، وجود داشته و دارند. تحلیل گفتمان انتقادی یک مفهوم کلی است که در مطالعاتی به کار گرفته شده است که زبان نمادین یا هر پدیده نشانه شناسی را به طور انتقادی تحلیل می کند. گفتمان شیوه خاصی از صحبت در مورد فضاهای شهری با تجزیه و

Ferdinand de Saussure  
 Signs  
 structuralism and poststructuralism



تحلیل نشانه‌های شهری است. نشانه‌ها نکات ظریف با تفاوت‌های جزئی دارند، در حالی که همه در علم تفسیر شناختی مطرح هستند. تحلیل گفتمان انتقادی شامل هر دو زبان نوشتاری، گفتاری و نشانه‌شناسی بصری است. در تحلیل گفتمان انتقادی، روش دیگر این است که به جای تمرکز بر مشارکت شیوه‌های زبانی، بر پیامدهای سیستم‌های نمادین و نشانه‌شناسی عملکردهای فضایی در شهرها تمرکز دارد. بنابراین، یک نکته کلیدی مورد علاقه در سیما و مناظر شهر این است که شکل شهرها و پیکربندی فضا در آنها، چه رابطه‌ای با تجسم روابط قدرت دارد (Crang, 1998). در مورد تحولات اخیر در تحلیل گفتمان انتقادی، تئو وان لیوون<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تأکید می‌کند که وضعیت تحلیل گفتمان انتقادی فراتر از زبان است و اشکال دیگری مانند تصاویر را نیز شامل می‌شود.

شهرها برای تعیین نحوه عملکرد فضاهای آنها در مفهوم نمادین و کالبدیشان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. از نظر بسیاری از نشانه‌شناسان شهرها، تجزیه و تحلیل متون حاوی تصاویر بصری باید در ویژگی‌های ویژه نشانه‌شناسی بصری و ارتباط زبان و تصاویر مورد بحث قرار بگیرند. در تحلیل گفتمان انتقادی، تمایل به تجزیه و تحلیل تصاویر به گونه‌ای که گویی مانند متون زبانی هستند، اهمیت دارند (Hodge and Kress 1988; Kress and van Leeuwen 1996, 2001). زوکین و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) چنین استدلال می‌کنند که محققان شهری باید به تحلیل رابطه بین اقتصاد سیاسی و نشانه‌شناسی شهرها بپردازند. این نوع مطالعه با تفسیر نشانه‌شناسی روش‌های فضایی شهری و تجزیه و تحلیل چگونگی شکل‌گیری نشانه‌های شهرها، در نهایت به مساله قدرت می‌رسد (Lees, 2002).

نشانه‌های شهری عمدتاً در نقشه‌های شهرها تبلور پیدا می‌کنند. رابطه میان نقشه و گفتمان همان رابطه دانش و قدرت است. در خصوص نسبت بین نقشه و گفتمان؛ نقشه از پدیده‌هایی است که هم در شکل‌گیری گفتمان و هم به عنوان جزئی از گفتمان نقش دارد. از نظر انتقادی، نقشه تنها یک ابزار انتقال اطلاعات به صورت خنثی نبوده، بلکه وابسته به منافع و خواسته‌های کنشگران (سفارش دهندگان نقشه، دولت‌ها و حتی تفسیر مخاطبان) است. نقشه‌ها دارای نقش تکوینی در شکل‌گیری گفتمان‌ها می‌باشند. علاوه بر این نقشه‌ها دارای کارکرد سندی و ارجاعی<sup>۳</sup> در گفتمان‌های برنامه‌ریزی شهری، می‌باشند.

### گفتمان انتقادی نابرابری‌های شهری

در مورد کاربرد اجتماعی تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعات زیر زوایای اجتماعی متنوعی را معرفی می‌کند که با تحلیل گفتمان انتقادی بحث شده‌اند: تحلیل هویت ملی به عنوان هسته اصلی مطالعات اجتماعی توسط (یورگنسن و فیلیپس)<sup>۴</sup>؛ زبان، معناشناسی و ایدئولوژی توسط (پژوکس)<sup>۵</sup> (۱۹۸۲)؛ تحلیل زبان در اخبار روزمره توسط (فلور و همکاران، ۲۰۰۲)؛

<sup>۱</sup>Theo Van Leeuwen

<sup>۲</sup>Zukin et al

<sup>۳</sup>referential

<sup>۴</sup>Jørgensen & Phillips

<sup>۵</sup>Pecheux



۱۹۷۹ و همچنین فلور؛ ۱۹۹۱)؛ مطالعات متعدد در خصوص شناخت نشانه‌شناسی اجتماعی توسط (کرس و ون لیوون؛<sup>۲</sup> ۱۹۹۶؛ هاج و کرس؛<sup>۳</sup> ۱۹۸۸؛ کرس، لایت- گارسیا و ون لیوون؛<sup>۴</sup> ۱۹۹۷)؛ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به وسیله (فرکلاف ۱۹۸۹، ۱۹۹۲، a، ۱۹۹۵ b، ۱۹۹۵)؛ گفتمان و نژادپرستی نخبگان توسط (ون دایک؛<sup>۵</sup> ۱۹۹۳ و ۱۹۹۱)؛ روش تاریخی گفتمان (ووداک و منز؛<sup>۶</sup> ۱۹۹۱؛ ووداک ۱۹۹۱) و خوانش و تحلیل سیاست زبان و علوم سیاسی زبان در خصوص توده‌ها (ماس؛<sup>۷</sup> ۱۹۸۹).

بسیاری از مطالعات انجام شده برنامه ریزی شهری در خصوص عدالت اجتماعی، بر روی زمینه شهروندی، جامعه، حکمرانی شهری و فرایندهای سیاسی تمرکز دارند (Less, 2004). برخی از محققان مانند ون لیوون (۲۰۰۶) معتقدند که هم متن و هم گفتار در مشروعیت نابرابری، بی عدالتی و سرکوب در تحلیل گفتمان انتقادی بسیار مؤثر هستند. نابرابری اجتماعی، به عنوان مطالعه ای در تحلیل گفتمان، به همبستگی بین گفتمان، سیاست شهری و تغییرات شهری اشاره دارد. در بین محققان برنامه ریزی شهری، سوچا (۲۰۰۰) ارتباط گفتمان‌ها را با فضاهای کالبدی شهر و با داده‌های دقیق به خوبی بررسی کرده است و در مورد همبستگی اجتماعی و فضایی و ظهور گفتمان‌ها در کتاب پسا کلان شهر: مطالعات انتقادی شهرها و مناطق؛ ظهور شش گفتمان در خصوص عدالت اجتماعی در شهرها را آشکار می‌کند. شاید بتوان مطالعه سوچا را پیشگام تحلیل گفتمان در مسائل شهری دانست. در مطالعه وی، سوژه هر گفتمان از طریق زنجیره ای از متون نماینده ترسیم شده است: مشارکت شهروندان در گفتمان شورای شهر را ارزیابی کنید (Farkas, 2013) و به کارگیری تحلیل گفتمان در مطالعات برنامه ریزی (Xu, 2016) هدف از تحلیل گفتمان انتقادی، ارزیابی نابرابری اجتماعی در مفهوم انتقادی آن است (Wodak & Meyer, 2015). از نظر ون دایک در شهرها، تحلیل گفتمان انتقادی برای بیان بعد زبانی و گفتمانی تغییرات اجتماعی اجرا می‌شود. این تغییرات اجتماعی می‌تواند شامل نابرابری‌های اجتماعی به عنوان موضوعی باشد که توسط محققان شهری مورد بحث قرار گرفته است (Van Dijk, 1998).

تحلیل گفتمان انتقادی به این معنا انتقادی است که قصد دارد نقش پرکنیس‌های گفتمانی در حفظ و بقای محیط‌های اجتماعی در شهرها، از جمله آن دسته از نابرابری‌های اجتماعی را که توأم با مناسبات قدرت نابرابرند، آشکار سازد. هدف تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه نقدی روشنگر، ترویج گفتمان‌های برابری و آزادی طلب تر و در نتیجه پیش بردن فرایند

<sup>۱</sup>Fowler et al.; Fowler

<sup>۲</sup>Kress and van Leeuwen

<sup>۳</sup>Hodge and Kress

<sup>۴</sup>Kress, Leite- Garcia and van Leeuwen

<sup>۵</sup>van Dijk

<sup>۶</sup>Wodak 1991; Wodak and Menz

<sup>۷</sup>Maas

<sup>۸</sup>Van Leeuwen

<sup>۹</sup>Postmetropolis: Critical Studies of Cities and Regions

سوچا متأثر از دیدگاه فضایی انتقادی می‌باشد که در پی درک فضامندی زندگی انسانی همان گونه که هم زمان درک، تصور و زیسته می‌شود؛ است: ارایه فهمی از تریالکتیک فضای شهری، نشات یافته از اندیشه‌های گوناگون. سوچا از ارجاعات متفاوت در چارچوب‌های متنوع بهره می‌جوید تا ظهور گونه جدید شهر را از درون منظومه شهری Conurbation در بطن ژئو تاریخ Geohistory فضای شهری و از منظر فضامندی توصیف کند. بعد فضامندی اثر سوچا متأثر از لوفور می‌باشد.

<sup>۱۰</sup>societal practices





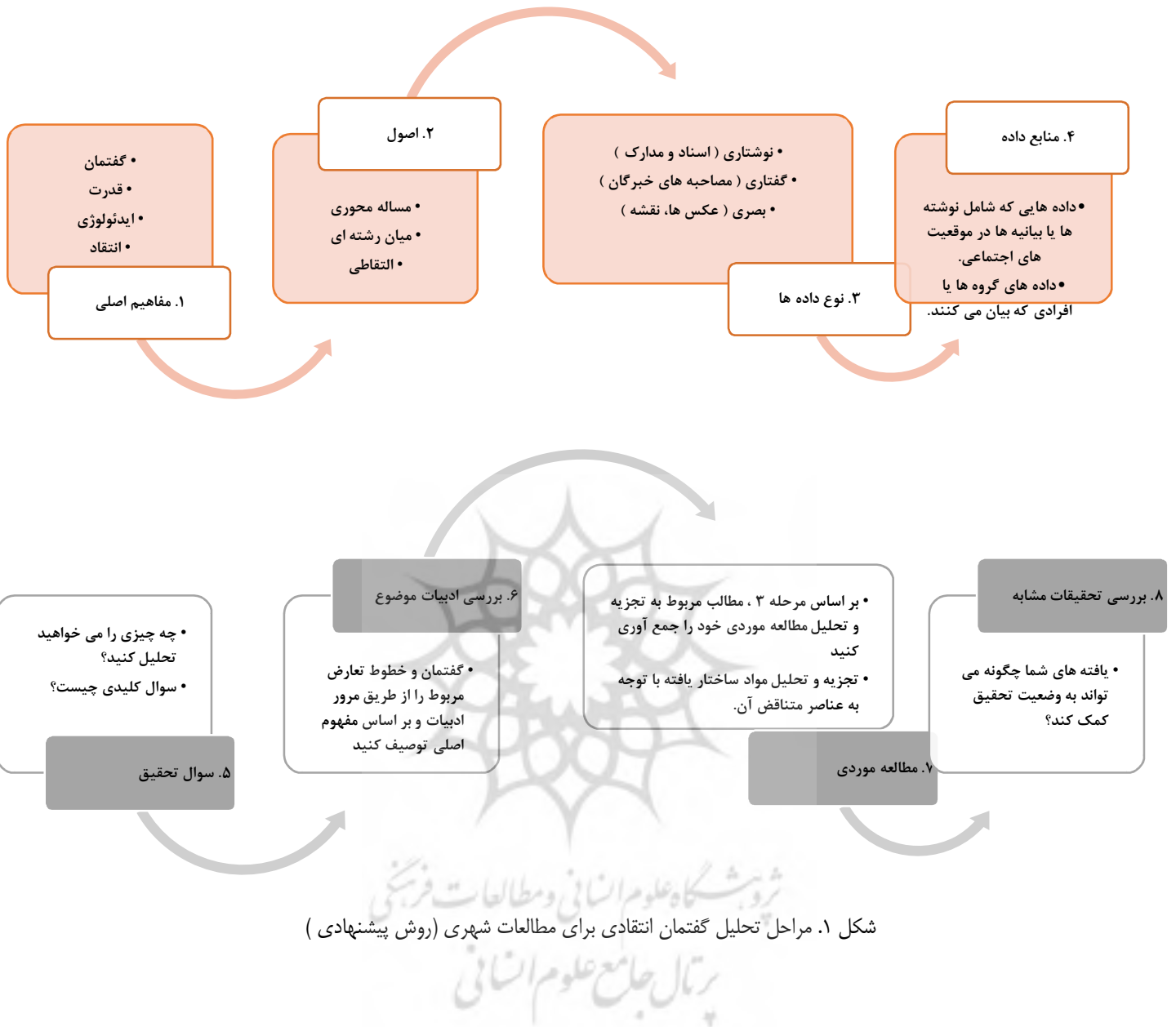
دموکراتیک شدن است. یکی از لوازم این کار آگاه کردن شهروندان از این واقعیت است که گفتمان نوعی پرکتیس اجتماعی است که بازتاب دهنده و تقویت کننده‌ی مناسبات قدرت است. برای این کار محقق شهری می‌تواند از تکنیکی استفاده کند که فرکلاف آن را آگاهی زبانی انتقادی می‌نامد. می‌توان از طریق تحلیل میان‌متنیت<sup>۱</sup> و میان‌گفتمانیت<sup>۲</sup> شناختی از نقش گفتمان در فرایندهای نابرابری‌های شهری پیدا کرد.

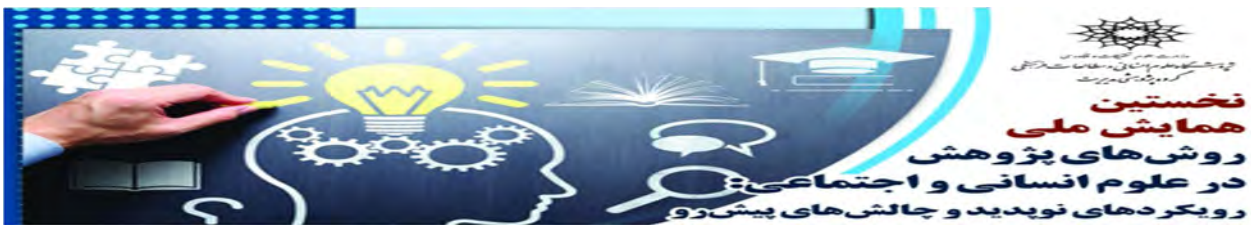
رویکرد پیشنهادی در مطالعات شهری، مدل سه بعدی فرکلاف است و متشکل از متن، تمرین گفتمانی و تمرین اجتماعی است و مراحل آن شفاف است و در بسیاری از مطالعات شهری می‌تواند کاربرد داشته باشد. روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به جهت داشتن پیشینه‌ای غنی را می‌توان توسط محققان شهری به کار گرفت.




---

<sup>۱</sup> - intertextuality  
<sup>۲</sup> - interdiscursivity





## بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن و واحدهای زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی) را بررسی می‌کند. با آگاهی از این نکته که همه روش‌ها محدودیت‌هایی دارند، پژوهشگران شهری می‌بایست از سوگیری‌های ذاتی هر روش آگاه باشند، در پژوهش‌های شهری، هم‌سوسازی منابع اطلاعاتی مفید است. در تحقیقات شهری، نکته مهم اینجاست که نمی‌توان از تحلیل گفتمان به منزله روش تحلیلی منفک از بنیان‌های نظری و روش شناختی‌اش استفاده کرد. کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات شهری، بدون در نظر گرفتن اصول هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی<sup>۲</sup> راه به جایی نمی‌برد. در پارادایم تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی بر متون گفتاری یا مکتوب به عنوان هدف تحقیق متمرکز است. دامنه انتقادی گفتمان نیاز به نظریه پردازی و توصیف ساختارهای اجتماعی دارد که منجر به تولید متن می‌شود و ساختارها و فرایندهای اجتماعی که در آن افراد یا گروه‌ها به عنوان سوژه‌های اجتماعی-تاریخی، معانی را در ارتباط با متون تفسیر می‌کنند. در تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه و روش برای محققان شهری در هم آمیخته است و به هنگام استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق تجربی؛ باید ریشه‌های فلسفی بنیادی و راهنمای روش‌شناسی آن را پذیرفت.

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، فقط یک روش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات شهری نیست، بلکه یک راهنمای نظری و روش شناختی است. این روش شامل: (۱) مقدمات فلسفی (هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) در مورد نقش زبان در ساخت اجتماعی و محیطی شهرها، (۲) مدل‌های نظری تحلیل گفتمان انتقادی و (۳) دستورالعمل‌های روش‌شناختی برای نحوه نزدیک شدن به حوزه تحقیق و تکنیک‌های خاص برای تجزیه و تحلیل است. محققان شهری، تحلیل گفتمان انتقادی و مفهوم گفتمان را در زمینه‌های مختلف تجربی شهری به کار می‌برند، صرف نظر از اینکه تنوع در مطالعات گفتمان شهری، اکثر محققان شهری فقط از ایده‌های اصلی آثار فوکو الهام می‌گیرند و نتایج مطالعات خود را با دیگر محققان پسا ساختارگرا، به اشتراک می‌گذارند. بسیاری از علایق تحقیقاتی مشترک و بحث‌های همپوشانی در مطالعات گفتمان شهری در کانون‌های مربوطه در زمینه‌های دانشگاهی متفاوت است.

همه ریشه‌های روش تحلیل گفتمان در فوکو خلاصه نمی‌شود، اما رویکرد فوکویی به گفتمان تلاش می‌کند تا در سطح کلان، گفتمان‌ها را در تاریخ باز‌شناسایی کند. باز‌شناسایی مجدد گفتمان‌های در اندیشه فوکو، تبارشناسی نام دارد. در تبارشناسی، محقق شهری در پی کشف سه عنصر و روابط میان آنهاست؛ دانش، قدرت و شیوه‌های گفتمان. در تحقیقات شهری با روش‌شناسی فوکویی سه مرحله اساسی طی می‌شود: مشخص کردن عنصر گفتمانی در شهر، تحلیل گفتمانی آن و تحلیل تبار شناختی آن. نکته مهم دیگری که باید محققین شهری به آن توجه کنند این است که به هنگام وارد کردن نظریه‌های غیرتحلیل گفتمان به چارچوب تحلیل گفتمان باید به عناصر ناسازگار آنها با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تحلیل گفتمان توجه داشت. در پژوهش‌های شهری، می‌توان نظریه‌ها را بدون تمامی

<sup>۲</sup>triangulation  
<sup>۳</sup>ontological and epistemological



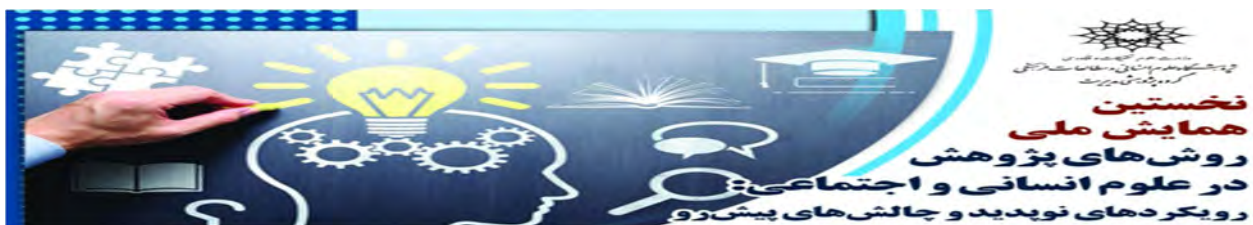
عناصرشان وارد چارچوب تحلیل گفتمان کرد، اما برای استفاده از این عناصر باید آنها را به نحوی ترجمه کرد که در تحلیل گفتمان قابل استفاده باشند. همان گونه که در شکل ۱ با الهام از روش فرکلاف نشان داده شده است؛ مراحل زیر برای تحقیقات شهری پیشنهاد می شود.

به گفته برخی از جغرافی دانان در جغرافیای انسانی، تحلیل گفتمان به دلیل معانی متفاوتی که با آن مرتبط است، واژه ای مبهم است (Dittmer, 2010). امروزه تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان یکی از روش های کیفی شناخته شده است. استفاده از تحلیل گفتمان به عنوان یک ابزار تحقیق، امکان ارزیابی برنامه ریزی شهری در توسعه شهری را فراهم می آورد (Oevermann & Mieg, 2015).

جغرافی دانان شهری از تحلیل گفتمان انتقادی در زمینه های مختلف مانند توسعه محله محور اوقات فراغت و سرگرمی هنری (Eisinger, 2000)؛ سیاست شهری (Davoudi and Healy, 1995)؛ گردشگری سافاری (Norton, 1996) و توسعه زمین (Whatmore and Boucher, 1993) استفاده کرده اند.

یکی از مهم ترین دلایل عدم توجه به تحلیل گفتمان در تحقیقات شهری این است که روش تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از روش های تفسیری است و ساختار کمی ندارد. همچنین این روش در مطالعات شهری با چالش های زیادی روبرو است و هیچ توافقی در مورد نحوه استفاده از آن وجود ندارد. رابطه بین گفتمان های خرد، متوسط و کلان یک چالش روش شناختی واقعی است که با تحلیل گفتمان انتقادی مرتبط است (DeLyser et al., 2009). شبیح پوزیتیویسم مطالعات شهری را رها نمی کند و ما را از انجام پروژه های خلاقانه، دقیق و انتقادی محروم می کند (Sheppard, 2014).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

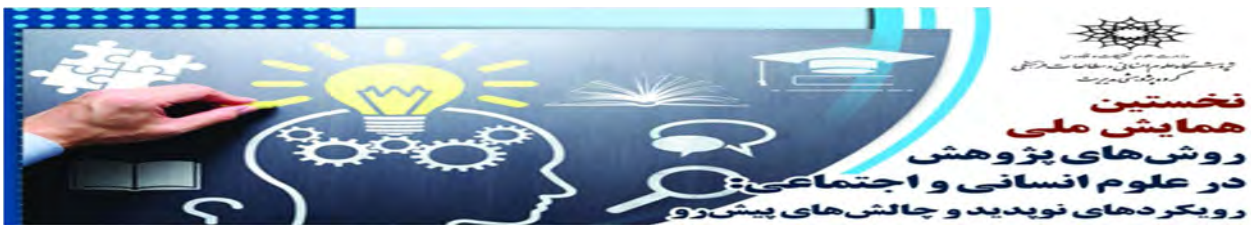


## منابع و مأخذ

- Chouliaraki, L. (1998), "Regulation in progressivist pedagogic discourse: individualized teacher-pupil talk", *Discourse and Society*, 9(1): 5–32.
- Chouliaraki, L. (1999), "Media discourse and national identity: death and myth in a news. Broadcast", in M. Reisigl and R. Wodak. (eds), *The Semiotics of Racism*. Vienna: Passager Verlag.
- Crang, M. (1998), *Cultural Geography*, London: Routledge.
- Davoudi, S. and P. Healy. (1995), "City challenge: sustainable process or temporary gesture?" *Environment and Planning C: Government and Policy* 13 (1): 79–95.
- DeLyser, D., Herbert, S., Aitken, S., Crang, M., & McDowell, L. (Eds.). (2009), *The SAGE handbook of qualitative geography*. Sage.
- Delyser, D. (2008), Teaching qualitative research. *Journal of geography in higher education*, 32(2), 233-244.
- Dittmer, J. (2010), Textual and discourse analysis. *The SAGE handbook of qualitative geography*, 274-286.
- Eisinger, P. (2000), "the politics of bread and circuses: building the city for the visitor class", *Urban Affairs Review* 35 (3): 316–33.
- Fairclough, N. (1989), *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992), *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. (1993), "Critical discourse analysis and the marketization of public discourse: the universities", *Discourse and Society*, 4(2): 133–68.
- Fairclough, N. (1995a), *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995b), *Media Discourse*. London: Edward Arnold.
- Fairclough, N. and Wodak, R. (1997), "Critical discourse analysis", in T. van Dijk (ed.), *Discourse as Social Interaction: Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 2. London: Sage.
- Fairclough, N. (1998), "Political discourse in the media: an analytical framework", in A. Bell and P. Garrett (eds), *Approaches to Media Discourse*. Oxford: Blackwell.
- Fairclough, N. (2000), *New Labour, New Language?* London: Routledge.
- Farkas, K. R. (2013), "Power and access in the public hearings of city council meetings", *Discourse & Society*, 24(4), 399-420.
- Foucault, M. (1980), Truth and power, In Gordon, C., editor, *Michel Foucault, power/knowledge: selected interviews and other writings 1972–1977*, Brighton: Harvester, 109–33.
- Fowler, R. (1991), *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.
- Fowler, R., Hodge, B., Kress, G. and Trew, T. (1979), *Language and Control*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Hajer, M. A. (1995), "The politics of environmental discourse: ecological modernization and the policy process", Clarendon Press: Oxford.
- Harvey, D. (1996), *Justice, nature, and the geography of difference*. Oxford: Blackwell.



- Hastings, A. (1999), "Discourse and urban change: introduction to the special issue", *Urban Studies*, Vol. 36, No. 1, 7- 12.
- Hodge, B. and Kress, G. (1988), *Social Semiotics*. Cambridge: Polity Press.
- Hughes, J. M. (2018), "Progressing Positive Discourse Analysis and/in Critical Discourse Studies: reconstructing resistance through progressive discourse analyses, *Review of Communication*, 18(3), 193-211.
- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002), *Discourse analysis as theory and method*, Sage.
- Kress, G. and van Leeuwen, T. (1996), *Reading Images: The Grammar of Visual Design*. London: Routledge.
- Kress, G., Leite-Garcia, R., and van Leeuwen, T. (1997), "Discourse semiotics", in T. van Dijk (ed.), *Discourse as Structure and Process. Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 2. London: Sage.
- Kress, G. and van Leeuwen, T. (2001), *Multi-Modal Discourse: The Modes and Media of Contemporary Communication*. London: Arnold.
- Laclau, E. and Mouffe, C. (1985), *Hegemony and Socialist Strategy. Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Ley, D. (1992), *Qualitative methods: reshaping a tradition*. *Journal of Geography in Higher Education*, 16(2), 167-170.
- Lees, L. (2002), "Rematerializing geography: the 'new' urban geography", *Progress in Human Geography* 26, 101-12.
- Lees, L. (2004), "Urban geography: discourse analysis and urban research", *Progress in human geography*, 28(1), 101-107.
- Lowe, M. S. (1990), "qualitatively better? Recent publications on qualitative methods and their place in geographical teaching". *Journal of Geography in Higher Education*, 14(1), 87-89.
- Lowe, M. S. (1992), "Safety in numbers? How to teach qualitative geography? ". *Journal of Geography in Higher Education*, 16(2), 171-175.
- Maas, U. (1989), *Sprachpolitik und politische Sprachwissenschaft*. [Language Politics and the Political Science of Language.] Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Marston, G. (2002), "Critical Discourse Analysis and Policy-Orientated Housing Research", *Housing, Theory, and Society*, 19:2, 82-91, DOI: 10.1080/140360902760385637
- Mumby, D. and Clair, R. (1997), "Organisational discourse", in T. van Dijk (ed.), *Discourse as Social Interaction. Discourse Studies. A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 2 London: Sage.
- Norton, A. (1996), "Experiencing nature: the reproduction of environmental discourse through safari tourism in East Africa", *Geoforum* 27 (3): 355-73.
- Oevermann, H., & Mieg, H. (2015), "Exploring urban transformations: Synchronic discourse analysis in the field of heritage conservation and urban development", *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 9(1), 54-64
- Probyn, E. (2014), "The cultural politics of fish and humans: A more-than-human habitus of consumption", *Cultural Politics*, 10(3), 287-299.
- Pecheux, M. (1982), *Language, Semantics, and Ideology*. London: Macmillan.



- Robinson, J. (2016), "Thinking cities through elsewhere: Comparative tactics for a more global urban study", *Progress in human geography*, 40(1), 3-29.
- Richardson, K. (1998), "Signs and wonders: interpreting the economy through television", in A. Bell and P. Garrett (eds), *Approaches to Media Discourse*. Oxford: Blackwell.
- Saussure, F. de. (1960), *Course in General Linguistics*. London: Peter Owen.
- Sheppard, Eric (2014) We have never been positivist†, *Urban Geography*, 35:5, 636-644, DOI: 10.1080/02723638.2014.916907
- Sharp, L., & Richardson, T. (2001), "Reflections on Foucauldian discourse analysis in planning and environmental policy research", *Journal of environmental policy and planning*, 3(3), 193-209.
- Smith, N. (1999), "which new urbanism? New York City and the revanchist 1990s. In Beauregard, R., and Body-Gendrot, S., editors, *the urban moment: cosmopolitan essays on the late-twentieth-century city*", *Urban Affairs Annual Reviews*, Thousand Oaks, London, and New Delhi: Sage, 185–208.
- Soja, E. (2000) *postmetropolis: critical studies of cities and regions*. Oxford: Blackwell.
- Van Dijk, T. (1991), *Racism and the Press*. London: Routledge.
- Van Dijk, T. (1993), *Discourse and Elite Racism*. London: Sage.
- Van Dijk, T. (1998), *Ideology*, London: Sage.
- Van Dijk, T. (2001), "Multidisciplinary CDA: a plea for diversity", in Wodak, Ruth & Meyer, Michael (Eds.) *Methods of CDA*. London: Sage, pp. 95–120.
- Van Leeuwen, T. (2006), "Critical Discourse Analysis". In: Brown, Keith (Ed.) *Encyclopedia of Language and Linguistics* (2nd edn. Vol. 3). Oxford: Elsevier, pp. 290–294.
- Whatmore, S. and Boucher, S. (1993), "Bargaining with nature: the discourse and practice of environmental planning gain", *Transactions of the Institute of British Geographers* 18 (2): 166–78.
- Wodak, R. (1991), "Turning the tables: antisemitic discourse in post-war Austria", *Discourse and Society*, 2(1): 47–64.
- Wodak, R. and Menz, F. (eds) (1990), *Sprache in der Politik – Politik in der Sprache: Analysen zum Öffentlichen Sprachgebrauch*. [Language in Politics – Politics in Language: An Analysis of Public Language Use.] Klagenfurt: Drava.
- Wodak, R., de Cillia, R., Reisigl, M. and Liebhart, K. (1999), *The Discursive Construction of National Identity*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Wodak, R., & Meyer, M. (Eds.). (2015), *Methods of critical discourse studies*, Sage.
- Xu, J. (2016) "Environmental discourses in China's urban planning system: A scaled discourse-analytical perspective", *Urban Studies*, 53(5), 978-999.
- Zanotto, J. M. (2020), "The role of discourses in enacting neoliberal urbanism: Understanding the relationship between ideology and discourse in planning", *Planning Theory*, 1473095219898876.
- Zukin, S., Baskerville, R., Grenberg, M., Guthreau, C., Halley, J., Halling, M., Lawler, K., Nerio, R., Stack, R., Vitale, A. and Wissinger, B. (1998), "From Coney Island to Las Vegas in the urban imaginary: discursive practices of growth and decline", *Urban Affairs Review* 33, 627–54.